

سندسازی در رسانه دیجیتال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شادمهر راستین



شکل یافته امروز دارد، باعث شده که هویت انسانی تنها با سند و شماره قابل شناسایی باشد. شناسنامه و برگه هویتی تنها سندی است که زندگی یک انسان شهری و مجری قانون‌های مدنی را تضمین می‌کند. بدون ID card نمی‌توان حقوق گرفت، رأی داد، به دادگاه شکایت برد و در تعطیلات از برنامه‌های مختلف استفاده کرد. در شناسنامه چه چیزهایی وجود دارد؛ مبدأ و منبع زندگی فردی، آنجا که برای اولین بار ثبت شده و آنجا که برای اولین بار طبق شماره‌ای او را به نام صدا کرده‌اند.

از طرفی (و این طرف اصلاً اهمیتی ندارد که در تعامل یا تقابل با شناسنامه‌سازی باشد) سینمای مستند هر دم به دنبال شناسنامه‌های زمان حال افراد، اشخاص و وقایع است. آنچه روی صفحه‌کاغذ شناسنامه یا اطلاعات کارت‌های شناسایی نهفته است در مفهوم و مبنای تصاویر دیجیتال به زمان حال می‌رسد. به عبارت دیگر شناسنامه گذشته را در زمان حال نشان می‌دهد تا برای آینده بتوان طراحی و برنامه‌ریزی کرد. اما تصاویر سینمای مستند به‌خصوص (و تأکید می‌کنم به‌خصوص) فرمت دیجیتالی در هر حال و به‌گونه‌ای تصاویر را ثبت و منتقل می‌کنند که خود زمان حال به یک سند تصویری تبدیل می‌شود.

تفکر دیجیتالی - ابزار دیجیتالی

والتر بنیامین یک «تصویر - نوشته از آینده» را در مراحل گرافیکی پیش‌بینی می‌کند.^۱
 ۱. نوشته کم‌کم شروع به خوابیدن می‌کند (از کتیبه‌های عمودی به میزهای شیب‌دار تحریر و در آخر کتاب‌های چاپی در تخت‌خواب...)

۲. (دوباره) نوشته‌ها در جهان معاصر شروع به بلند شدن و ایستادن می‌کنند. (روزنامه‌ها ایستاده خوانده می‌شوند.

پیش‌فرض

در جهان امروز (که شاید مدرن یا پست‌مدرن تلقی شود)، یک اصل متعارف، همه‌گیر و حتی بدون شکل گرفته و هر دم گسترش می‌یابد و آن «اصل فراموشی» است. دیگر حداثت پنج سال پیش تا عصر یخبندان به صفر رسید و گذشته خواب و خیالی است همچون آینده که رویایی ملموس محسوب می‌شود. زندگی در زمان حال با خود اصل فراموشی را می‌آورد و تمام تلاش رهبران فکری جوامع در دو جهت متقابل بر همین اصل تأکید می‌کنند. عده‌ای معترض به فراموشی هستند و گروهی مروج آن. عده‌ای به دنبال تبارشناسی، تمام هم و غم خود و دوستان‌شان را بسیج کرده‌اند تا هویت‌شان را از صبح روز خلقت در شجره‌ای مشخص و معین تثبیت شده ببینند و دیگران در سازمان‌ها و نهادهایی سامان یافته به دنبال تحقق نظریه زیستن در «آن» هستند و شعار سر می‌دهند «جهان هستی با تولد من خلق شد و با مرگ من پایان می‌پذیرد».

سندسازی و سینمای مستند

سند و اعتبار معنایی که سند در جهان هر دم تغییر

فیلم و تابلوهای تبلیغاتی به قائم بودن امر می‌کنند - همچنین صفحه‌های مونیتر کامپیوترها -

۳. با سه بعدی بودن سیستم تشکیل پرونده در برگه‌دان، کتاب رفته‌رفته از رده خارج می‌شود.

۴. جهشی هم به محیط‌های گرافیکی آینده: نمودارهای آماری و فنی - پخش تصاویر در سطح بین‌المللی و فضای اینترنتی.

بنیامین اولین ویژگی‌های تأثیر کاربری دیجیتال بر ذهن جست‌وجوگر را در بحث خواندن متن به صورت افقی و عمودی در سال ۱۹۲۸ در کتاب خیابان یک طرفه طرح می‌کند. جدای از بررسی آوانگارد فرآیند مطالعه، نکته قابل تأکید در دستاوردهای چهارگانه فوق، تأثیرگیری ذهن از ابزار است.

تا قبل از این و طبق نظریات ماتریالیست دیالکتیک‌ها در طول تاریخ تمدن، ابزار، سبب شکل‌گیری نهایی دست و پنجه و به تبع آن پیچیدگی مغز. یعنی همان نظریه تکامل که پنجه توانست تکه استخوانی را در کف دست بگیرد و از آن به عنوان ابزار استفاده کند. طبق این فرضیه دست به اضافه ابزار باعث شکل‌گیری مغز انسان شده است. مخالفان این نظریه به شکوفایی مغز هنگام فعالیت دست معتقد هستند. آن‌ها می‌گویند که قابلیت‌های مغز هنگام کار ساخته نمی‌شود، بلکه از بالقوه به بالفعل درمی‌آید. هر دو نظریه بر یک اصل منطقی استوار است، تفکر و کار ارتباط دوسویه و خطی دارند که اصطلاحاً در این مقاله ما کلمه آنالوگ را در برابر دیجیتال به این روش منطقی اطلاق می‌کنیم. یعنی نسبت استقرایی کار و فکر با یکدیگر با تأکید بر توالی زمانی. به عبارت دیگر یا فکر، انسان ابزارمند می‌سازد و یا ابزار، انسان متفکر، و به رابطه متقابل و هم‌زمانی آن‌ها توجه نمی‌شود. در برابر این نظریه رشد و تکامل انسان



در جهان دیجیتال از حوادث مدام تصویر گرفته می‌شود. هر حادثه‌ای هرچند کوچک از چشم تیزبین و ثبت‌کننده دوربین‌های دیجیتال در امان نیست

به صورت خطی یا آنالوگ، نظریه دیگری وجود دارد که به خاطر ابزار دیجیتال به آن روش برخورد دیجیتال می‌گویند. به یک صفحه مونیتر نگاه کنید که پنجره‌های مختلف گوشه و کنار آن باز است. با فشار کلیدی که به حروف انگلیسی یا فارسی مزین شده عملکرد دستگاه به صورت تصویری تغییر می‌کند و اعداد نیز ماهیت خود را از دست می‌دهند و بار اطلاعاتی جدیدی غیر از اطلاعات ذاتی خود در نرم‌افزارهای دیجیتال حمل می‌کنند. تصویر و صفحه نوشته روی یکدیگر باز می‌شوند، پردازشگر دیگری می‌تواند هم‌زمان اطلاعات شما را به گونه دیگری تحلیل کند و باز هم‌زمان کاربر دیگری اطلاعات جدیدی به شما انتقال می‌دهد. ظاهراً زمان برای پردازش و استنتاج قطعی وجود ندارد. هر نتیجه و تحلیلی موقتی و نسبی است. این نسبت ارتباط مستقیمی با زمان و ذهن تحلیل‌گر کاربر و ابزاری که با آن کار می‌کند دارد. در بین طراحان کامپیوتر مثالی است که تا حدودی بیانگر وضعیت جدید ارتباط

دستگاه یا ابزار با مغز یا تفکر است. آن‌ها می‌گویند که هر چقدر سرعت ارائه اطلاعات و حجم آن در کامپیوتر بیشتر می‌شود، مغز علی‌رغم کندی اولیه در مدت کوتاهی با میزان جدید سرعت و حجم، منطبق شده و دوباره پس از صرف زمانی، کاربر احساس کندی و کمبود در کامپیوتر خود می‌کند. این‌جا منظور پیشرفت خطی تکنولوژیک صنایع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهان کامپیوترها نیست، زیرا همین روند رو به رشد ابزار و مغز و دست به تدریج و با ماهیتی مشابه در سیر تحول ابزارهای صنعتی قابل‌شناسایی است. هرچه تکنولوژی پیشرفت کرده، ابزار و ذهن ابزارساز و ذهن کاربر ابزار نیز پیشرفت کرده است، اما این پیشرفت متوالی، در یک مسیر زمانی و به عبارتی دیگر خطی است. اما منظور از هماهنگی مغز هنگام کار دیجیتال هم‌زمانی گسترش ابزار و مغز در چند مسیر است. در چنین فرآیندی ابزار برای مغز به جای آن‌که مقصدی معین و یک‌سویه تعریف‌کنند فضایی گسترده و چندسویه مهیا می‌کند تا با ورود ذهن کاوشگر به هر فضایی، فضای دیگری سریعاً فراهم شود. به همین لحاظ است که پیشرفت در فضای دیجیتال هر دو مخاطب (ذهن و ابزار)، را به‌طور هم‌زمان در دو بعد طراحی نرم‌افزاری و قابلیت تحلیل اطلاعات اجباراً درگیر می‌کند. از کلمه اجباراً استفاده می‌کنم توقف در برابر این گسترش (و نه تنها پیشرفت خطی رو به جلو) در فضای دیجیتال امکان‌پذیر نیست و ابعاد گسترش دیجیتال گاهی در دو سطح متعامل با یکدیگر نیز قابل تصور است.

مستندسازی و حافظه‌های موقت و دائم دیجیتال

حجم انبوه اطلاعات، نو به نو بودن و پنجره‌ای بودن آن‌ها، روش‌های تحلیل هم‌زمان و کارا، انتقال اطلاعات

به کاربرها و تحلیلگران دیگر به‌طور هم‌زمان و ظرفیت محدود اما رو به گسترش مغز انسان و فضای دیجیتال به یک فرآیند آشنا در مکانیزم مغز و نوظهور در جهان پست‌مدرن و دیجیتال اکنون می‌رسد و آن فرآیند فراموشی موقت و دائم است و در برابر این دو شیوه‌احیای مغز (یعنی فراموشی موقت و دائم) یک واکنش بیش‌تر نمی‌ماند، مستندسازی. این مستندسازی به دو گونه عمل می‌کند، مستندسازی با زمان کوتاه که به آن حافظه موقت می‌گوییم و مستندسازی در زمان بلندمدت که به حافظه‌دایمی مشهور است. یک گزارش خبری تلویزیونی سندی موقت از یک حادثه را در برابر دیدگان مخاطب خود قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی تحلیل به عهده بیننده است و سندی تصویری تنها ارائه‌دهنده اطلاعات اولیه از حادثه به دریافت‌کننده خبر یا همان مخاطب است. حافظه موقت مخاطب اسناد تصویری را بدون اولویت در بایگانی خود ثبت می‌کند تا با اطلاعات جدید اقدام به پردازش کند. گزارش خبری را، خبرهای تکمیلی از همان حادثه، مصاحبه با شاهدان عینی حادثه، بازماندگان یا مصیبت‌دیدگان حادثه، مسؤولان و کارشناسان بخش اطلاعات شنیداری از طریق تصاویر ضبط شده تکمیل می‌کند، اما هنوز برای ورود حادثه به حافظه‌دایم موارد دیگری نیاز است. این موارد بیش‌تر از آن‌که کمی باشند فرآیندی کیفی در چگونگی نمایش تصویرهای جدید از حادثه را دربر می‌گیرند. هرچقدر تعداد تصاویر مستند از حادثه شبیه گزارش خبری باشد باعث ورود تصویر از حافظه موقت به دایم نمی‌شود. به‌عنوان مثال حادثه زلزله بم یا سقوط هواپیمای C130 را در نظر بگیرید. اولین گزارش‌ها کاملاً خبری و برای ثبت اولین تصاویر به‌دست آمده از حادثه و انتقال آن به مردم است. پس از مدتی، زمان گزارش‌های تصویری بیش‌تر

می‌شود و اطلاعات جدید به مردم کمک می‌کند تا تحلیل درست‌تری از حادثه داشته باشند، اما تکرار بیش از حد خود به خود نه تنها تثبیت‌کننده نیست بلکه می‌تواند عامل بی‌تفاوتی و سپس فراموشی شود. بنابراین برای آن‌که گزارش‌های تصویری از حالت خبری به تحلیلی گرایش پیدا کنند باید «ماندگار» باشد. فرآیند ماندگاری به بخش خاطره و خاطره‌سازی حافظه و شعور مربوط می‌شود. اما چه تصویری اجازه‌ورود به خاطره و آن‌هم خاطره ازلی و فراموش‌نشدنی را دارند؟

فیلم مستند، یک خاطره‌هنری

در جهان دیجیتال از حوادث مدام تصویر گرفته می‌شود. هر حادثه‌ای هرچند کوچک از چشم تیزبین و ثبت‌کننده دوربین‌های دیجیتالی در امان نیست. واقعه ۱۱ سپتامبر نشان داد که دوربین دیجیتالی که به صورت آماتوری در دست مردم بود کارآمدتر از دوربین‌های خبر و رسانه‌ای عمل کرده است. امروزه حتی تصویری که توسط موبایل‌های دوربین‌دار ضبط می‌شود برای نمایش در شبکه‌های تلویزیونی مناسب است و گاهی عکس یا فیلم گزارشی اخبار سراسری چند کشور از یک فیلم دیجیتالی با کیفیت پایین است. اما همه این انبوه تصاویر به سرعت محو می‌شوند و هر چقدر تکرار شوند بر سرعت فراموشی خود می‌افزایند، از این رو کارشناسان رسانه‌ای در برابر عامل فراموشی ذهن جمعی بحث خاطره و یادمان را مطرح می‌کنند. بهترین تصاویر ضبط و ثبت در خاطره می‌شود. این بهترین دارای ویژگی‌هایی مانند رعایت اصول زیبایی‌شناسانه‌تصویری، جامع بودن یعنی دربرگیرنده بیش‌ترین بار اطلاعات عقلانی و احساسی که از تصویر به بیننده انتقال می‌یابد، آشنا بودن با باور مخاطب به گونه‌ای

تفاوت فیلمی با نگاه آنالوگ و فیلمی با نگرش دیجیتالی نه تنها در کاربرد گزارشی و سندساز است بلکه مرحله تحقیق و برداشت هنری و نهایی در ساخت فیلم مستند دیجیتالی به طور هم‌زمان صورت می‌گیرد

که در مسیر تعاریف رایج مخاطب بوده و برای او احساس اطمینان به باورهای قبلی را تداعی می‌کند، محق بودن تصاویر که منظور آن رعایت اصول تحقیقاتی در معانی متنی و فرامتنی است که توسط تصاویر ارایه می‌شود، بدیع بودن تصاویر منظور آن است که با توجه به رعایت اصول زیبایی‌شناسانه و آشنا برای بیننده تصاویر تازه و نو بوده و در مخاطب روحیه‌کشف و ماجراجویی را تقویت کند، به لحاظ اطلاعات‌دهی شفاف و به دید تحلیل گسترده عمل کند و در نهایت مخاطب از یادآوری آن تصاویر در ذهنش و به دنبال تحلیل شخصی و جمعی از آن به یک لذت درونی دست یابد.

شاید به نظر برسد که تمام ویژگی‌های فوق مربوط به یک فیلم «خوب» مستند است که تفاوت نمی‌کند با نگاه خطی یا آنالوگ تهیه شود و یا با نگرش دیجیتالی. اما تفاوت این فیلم در آن است که نه تنها کاربردی گزارشی و سندساز دارد، بلکه به طور هم‌زمان (و تأکید می‌کنیم هم‌زمان) مرحله

تحقیق و برداشت هنری و نهایی در ساخت فیلم مستند دیجیتال صورت می‌گیرد و امکانات زیاد نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای دیجیتالی این قابلیت را برای کاربر و به عبارت دیگر فیلمساز، تحلیل‌گر و حتی مخاطب فراهم می‌سازد که در کمترین زمان یک تصویر گزارشی به فیلمی مستند و خاطره‌انگیز تبدیل و به سرعت در ابعاد وسیع پخش شود.

چنین فرآیندی یعنی ثبت گزارشی و هنری از یک واقعه را به طوری که ثبت گسترده‌تصویری از حادثه و مخاطب گسترده در کمترین زمان قابلیت تحلیل و خاطره‌پردازی از همان تصاویر را داشته باشند و فضای جدیدی را برای کاربرهای بعدی جهت تحلیل حادثه اولیه به طور آشنادایی شده از حوادث دیگر مهیا شود، ما فرآیند دیجیتالی یک فیلم مستند می‌نامیم. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی